

A structured study of population policies in Iran (2014-2024)

Shakiba Koolivand

Ph.D. Student in Economic Sociology and Development, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

Masoume Motlaq*

Assistant Professor, Department of Sociology, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

Abstract:

This article uses the separation of the paradigm (model) based on the population policies announced in 2014 examines the coherence and quality of Iran's social and demographic works in the field of supporting the family and the youth of the population. Articles published in scientific-research journals Interior, which have given scientific attention to population policies since its promulgation (2014) until now. They have been chosen as illustrative examples for study. In these works, 3 macro, medium & small patterns are observed; The results of the research show that out of the 83 studies, among the different structural levels in development discourses, social development and population policies, the most important dimension that plays a fundamental role in scientific studies in the last decade (after Communication of population policies) has been at a medium level (47%). After that, most of the articles at the macro level and by examining the change of structures such as economic, social, cultural, demographic structures, etc. with 30.1% & also, 22.9% of the examined articles are also at the micro level such as the topics of marriage age, fertility rate, employment Women, the level of education of women & men, etc. Since the upper documents and laws in this field exist & are currently being implemented, the need for scientific studies with a macro view and development in this field is felt, in addition to examining the consequences of these policies, its pathology, The effectiveness and of course its effects should also be scientifically investigated.

Keywords: *population policies, population youth, population structure, meta-analysis, Iran.*

* Email: M-motlaq@iau-arak.ac.ir (Corresponding Author)

مطالعه ساختاریافته سیاست های جمعیتی در ایران (۱۳۹۳-۱۴۰۳)

شکیبا کولیوند^۱، معصومه مطلق^{۲*}

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

چکیده

این مقاله با استفاده از تفکیک پارادایم براساس سیاست های جمعیتی ابلاغی در سال ۱۳۹۳ به بررسی انسجام و کیفیت آثار اجتماعی و جمعیت شناسی ایران در حوزه حمایت از خانواده و جوانی جمعیت می پردازد. مقالات و مطالعات چاپ شده در مجلات علمی - پژوهشی داخلی که سیاست های جمعیتی را از زمان ابلاغ آن (۱۳۹۳) تاکنون مورد توجه علمی قرار داده اند، به عنوان نمونه هایی کمابیش گویا برای مطالعه انتخاب شده اند. در این آثار، سه الگوی کلان، میانه و خرد مشاهده می شود؛ نتایج پژوهش نشان می دهد که از ۸۳ مطالعه مورد بررسی، در بین سطوح مختلف ساختاری در گفتمان های توسعه، توسعه اجتماعی و سیاست های جمعیتی بیشترین بُعد مورد توجه که نقش اساسی را در بررسی های علمی در یک دهه اخیر (بعد از ابلاغ سیاست های جمعیتی) به خود اختصاص داده، در سطح میانه بوده است (۴۷ درصد). پس از آن، بیشتر مقالات در سطح کلان و با بررسی تغییر ساختارهایی چون ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و غیره با ۳۰.۱ درصد و همچنین، ۲۲.۹ درصد مقالات مورد بررسی نیز در سطح خرد از قبیل مباحث سن ازدواج، میزان باروری، اشتغال زنان، میزان تحصیلات زنان و مردان و غیره بوده است. از آنجا که اسناد و قوانین بالادستی در این زمینه موجود و در حال حاضر نیز در دست اجرا هستند، نیاز به بررسی های علمی با نگاه کلان و البته توسعه ای در این زمینه احساس می شود تا علاوه بر بررسی پیامدهای این سیاست ها، آسیب شناسی آن، اثربخشی و البته اثرات آن نیز مورد بررسی علمی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سیاست های جمعیتی، جوانی جمعیت، ساختار جمعیتی، فراتحلیل، ایران.

۱- مقدمه

وضعیت جمعیتی در ایران را می توان از جنبه های سازمان جمعیتی و ویژگی های سیاست های جمعیتی جامعه آن، مورد بررسی قرار داد. سیاست های جمعیتی می تواند به عنوان اقداماتی تلقی شود که صریح یا ضمنی توسط حکمرانان برای پیش بینی، تأخیر یا مدیریت عدم تعادل بین تغییرات جمعیتی از یک سو و اهداف اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و سیاسی از طرف دیگر، انجام شود (می، ۲۰۱۲). بررسی های علمی متعددی پیش از مورد تأکید قرار گرفتن سیاست های جمعیتی مبنی بر افزایش جمعیت به انجام رسیده است، بررسی هایی که به جنبه های جمعیتی جامعه پرداخته و آن را به شیوه های نقادانه مورد بررسی قرار داده اند (جهانفر، ۱۳۸۲؛ سمعی نسب و ترابی، ۱۳۸۹؛ عباسی شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۰؛ مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۰؛ حسینی، ۱۳۹۰؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۱؛ معینی و نوراللهی، ۱۳۹۱؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۱). برخی از پژوهشگران نیز، با توجه به معیارهای روش شناختی و نظری و از جنبه کاربردی بودن، شکل مقالات علمی و روابط منطقی میان اجزای آن، از پایین بودن کیفیت سیاست ها در زمینه مسائل جمعیتی سخن به میان آورده اند و سیاست های جمعیتی را به شکلی خاص

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. E mail: kolivand.shakiba@gmail.com

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران، (نویسنده مسئول). (E mail: M-motlaq@iau-arak.ac.ir)

به نقد کشیده‌اند (ملک‌زاده و علیزاده‌بیرجندی، ۱۳۹۰؛ برایانت، ۱۳۸۳؛ فرهادی، ۱۳۷۲). به‌طور کلی، برخی از مطالعات از طرفی جنبه جمعیتی و از طرفی سیاست‌های جمعیتی را در چارچوبی واحد مورد بررسی قرار داده و آن را به نقد کشیده‌اند (جهانفر، ۱۳۸۲؛ سمیعی نسب و ترابی، ۱۳۸۹؛ عباسی‌شوازی و حسینی‌چاوشی، ۱۳۹۰؛ مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۰؛ سیاح، ۱۳۹۱؛ حسینی، ۱۳۹۱؛ حسینی، ۱۳۹۰؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۱؛ معینی و نوراللهی، ۱۳۹۱؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۱).

اما به مرور روند کاهشی باروری افزایشی و ابلاغ سیاست‌های جمعیتی صورت گرفت. سیاست‌های جمعیتی را ترتیبات نهادی ساخته شده یا بازسازی شده و یا برنامه‌های مشخصی می‌داند که به وسیله آن دولت‌ها به‌صورت آگاهانه، مستقیم یا غیرمستقیم بر دگرگونی‌های جمعیتی تأثیر می‌گذارند. قبل از گذار جمعیتی، جمعیت‌ها بدون هیچ سیاستی به‌عنوان محرک، تغییر می‌کردند (دمنی^۱، ۲۰۱۱). باید دانست، کاهش باروری که می‌توان آن را به عنوان یکی از چشمگیرترین تغییرات در رفتار اجتماعی در قرن بیستم توصیف کرد، یکی از جنبه‌های تغییرات جمعیتی محسوب می‌شود که در بخشی از ادبیات موضوع از آن به عنوان پیامد تغییرات اجتماعی و ساختاری که در نتیجه مدرنیزاسیون اتفاق افتاده‌اند، تعبیر شده است (گود، ۱۹۶۳؛ استرلین، ۱۹۷۴ و اینکلس، ۱۹۹۸).

از سال ۱۳۹۳ به بعد در کشور مطالعاتی که در حوزه‌های جمعیت‌شناسی، اجتماعی، پزشکی، حقوقی و غیره نگاشته شده است، مطالعاتی که یا به طور مشخص به ساختارها و سیاست‌گذاری‌ها در این عرصه توجه دارند، یا به فرآیندی که در بدنه ساختارها ایجاد شده و تغییرات ساختاری را در سطح میان توجه کرده است، تأکید دارند و مسائلی از قبیل فردگرایی، تفاوت‌های نسلی و غیره را که در جمعیت‌شناسی از آن‌ها به عنوان گذار دوم جمعیتی نام برده می‌شود، در برخی از مطالعات علمی نیز مباحثی چون ازدواج، باروری، سقط جنین، طلاق و غیره مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

بدین ترتیب، هدف این مقاله پیگیری فرضیه جمعیتی از طریق بررسی کیفیت آثار و مکتوبات جمعیت‌شناسی و جمعیتی- اجتماعی در ایران است. برای تعیین کیفیت آثار می‌توان از معیارهای مختلف و متعددی استفاده نمود. در کنار معیارهای پراکنده و موردی برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های جمعیتی، کاربرد مکاتب متفاوت سیاست‌های جمعیتی، امکان دستیابی به ارزیابی منسجم‌تری را فراهم می‌سازد. تاکنون این‌گونه ارزیابی‌ها به ویژه با توجه به پذیرش یا عدم پذیرش دیدگاه‌های افزایش جمعیت، کاهش جمعیت، نیاز به کنترل مولید و یا پایین بودن نرخ باروری، و با توجه به معیارهای نظری و روش صورت گرفته‌اند. رایج‌ترین سنخ‌شناسی‌ها برای تعیین تنوع اندیشه‌های جمعیتی به تقسیم‌بندی‌های نظری و روش‌شناختی مبنی بر سیاست‌های افزایش و یا کاهش جمعیت می‌پردازند. این‌گونه تقسیم‌بندی‌ها از زمان پیش از انقلاب اسلامی با مقوله‌بندی رایج سیاست کنترل جمعیتی و برنامه‌های تنظیم خانواده آغاز شده است؛ و انواع تقسیم‌بندی‌های نظری و روش‌شناسی کنونی (مثل مدل‌های اکتشافی، نظریه‌های مالتوسی و نئومالتوسی و...) را در برمی‌گیرد. کاربرد این تقسیم‌بندی‌ها محقق را به معیارهای روش‌شناختی و نظری محدود می‌سازد و آن‌ها را از بیان جنبه‌های پنهان و لایه‌های اصلی این سیاست‌ها دور می‌سازد.

تاکنون در ایران در زمینه جوانی جمعیت، پژوهش‌هایی با محوریت جمعیت، ازدواج، جلوگیری از سقط جنین، سیاست‌های جمعیتی و غیره منتشر شده است، این بررسی برای ارزیابی کیفیت جامعه‌شناسانه سعی دارد به نوعی از معیارهای روش‌شناختی و نظری فراتر رود و به کاوش در جمعیت‌شناسی ایران با تکیه بر مطالعات انجام شده در حوزه‌های جمعیتی با توجه به مفاهیم مورد تأکید «سیاست‌های جمعیتی ابلاغی سال ۱۳۹۳» براساس گفتمان‌های توسعه در سطوح کلان، میان و خرد بپردازد.

۲- ادبیات موضوع

۱-۲- تعریف سیاست جمعیتی^۲

«سیاست جمعیتی» مجموعه اصول، تدابیر و تصمیم‌های مدون جمعیتی است که یک دولت در کشور خود در پیش می‌گیرد و حدود فعالیت‌هایش را درباره مسائل جمعیتی، یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می‌کند. هدف از سیاست‌جمعیتی، منطقی کردن و هماهنگ ساختن دگرگونی‌های جمعیتی با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه برای رسیدن به رفاه و بهروزی بیشتر جمعیت است. منظور از سیاست جمعیت صرفاً «تحدید مولید»^۳ نیست، بلکه مفهوم آن گسترده‌تر است و به همه ابعاد جمعیت از جمله ساخت، اندازه، حرکات، اجزا، آمار حیاتی، مهاجرت، باروری، مرگ، تنظیم مولید، فعالیت و اشتغال مربوط می‌شود (تقوی، ۱۳۸۷: ۱۴۳)؛ از سویی در سال ۱۳۹۳ در کشور ایران، سیاست‌های کلی جمعیتی بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی ابلاغ شده است.

¹ Demeny

² Population Policy

³ Birth control

۲-۲- زمینه و خاستگاه سیاست جمعیتی

بیشتر کارشناسان بر این باورند که سیاست جمعیتی وقتی در پیش گرفته می‌شود که دگرگونی‌های جمعیتی ناهماهنگ باشد و میان آن و سایر اجزا و عناصر تشکیل دهنده ساختار اجتماعی، تعادل و توازن از بین برود و در نتیجه گونه‌ای «پس افتادگی فرهنگی»^۱ پدید آید و رفاه و سلامت جامعه به خطر افتد. در این نگرش، اعتقاد بر این است که اساسی‌ترین هدف سیاست‌های جمعیتی، بهروزی و جمعیت و «حل مسائل جمعیتی»^۲ است. مسائل جمعیتی، به آن دسته از امور جمعیتی اطلاق می‌شود که از حالت تعادل و هماهنگی با امور دیگر مجموعه خود خارج شده‌اند. به بیان دیگر، وقتی پدیده‌ای جمعیتی که واقعیتهای بهنجار است، به صورت معضل و مشکل درآید، به مسئله جمعیتی تبدیل می‌شود. از این رو مسائل جمعیتی، مجموعه‌ای از امور جمعیتی پیچیده و ناهم‌ساز هستند که برای حل آن‌ها باید تدابیری اندیشیده شود. این تدابیر، همان سیاست‌های جمعیتی هستند (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۴۵).

۲-۳- پیشینه سیاست‌های جمعیتی در ایران

۲-۳-۱- پیش از انقلاب اسلامی

چند سال پیش از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ داده‌های پراکنده‌ای از میزان رشد شتابان جمعیت و باروری عمومی در ایران کسب شده بود و دو برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی اول (۱۳۳۵-۱۳۳۷) و دوم (۱۳۳۵-۱۳۴۰) توجه و توصیه‌های مقدماتی به امر جمعیت و لزوم کنترل رشد آن انجام شده بود، به‌ویژه که نتایج نخستین سرشماری، عوامل لازم برای گرفتن تصمیم لازم در این زمینه را در مقیاس محدود فراهم آورد؛ ولی در میانه سال‌های ۱۳۴۰ به این موضوع توجه جدی شد و لزوم داشتن سیاست کنترل جمعیتی مطرح شد. سرانجام در برنامه سوم توسعه (۱۳۴۱-۱۳۴۷) به عامل جمعیت اهمیت فراوان داده شد و اجرای برنامه تنظیم خانواده، در دستور کار دولت قرار گرفت. گفتنی است پیش از شروع این برنامه در سال ۱۳۴۶، اقدام‌های متعددی برای فراهم آوردن زمینه اجرای برنامه یاد شده، صورت گرفت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- تأسیس اداره «بهداشت مادر و کودک» در وزارت بهداشتی در سال ۱۳۳۴؛
- تشکیل «انجمن راهنمای خانواده» با همکاری «انجمن بین المللی راهنمای خانواده (I.P.P.F. لندن)»؛
- ایجاد «انجمن حمایت از مادران و کودکان» در تهران در سال ۱۳۳۳؛
- اعلام موافقت برخی از روحانیان با برنامه تنظیم خانواده در سال ۱۳۴۳؛
- تأیید مسئولان دولتی و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی کشور بر فوریت اجرای برنامه تنظیم خانواده در پایان سال ۱۳۴۵؛

- ایجاد کمیته تدارک برنامه کنترل جمعیت، متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های بهداشتی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، اقتصاد، سازمان برنامه، دانشگاه تهران (موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی) و چند نهاد غیردولتی در سازمان برنامه در پایان سال ۱۳۴۵؛

- آمدن یک هیئت (میسینون) از شورای جمعیت آمریکا به دعوت دولت ایران به تهران در همان سال؛

پس از فراهم آمدن زمینه‌های لازم، سرانجام در سال ۱۳۴۶ یک پست و واحد معاونت در وزارت بهداشتی برای تصدی و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده کشور با نام «بهداشت و تنظیم خانواده» ایجاد شد که مسئول و مدیر آن در رده معاون وزیر قرار داشت. برای راه‌اندازی و اجرای برنامه در هر یک از مراکز استان‌ها، دفاتر تنظیم خانواده مجهز به کلینیک، پزشک، پرستار، ماما، مددکار اجتماعی، بارداری‌های ناخواسته نیز در اختیار آنان قرار گرفت. در سال ۱۳۵۱ تعداد ۱۵۰۰ مرکز و کلینیک تنظیم خانواده در ایران به فعالیت مشغول بودند. فعالیت این نهاد جدید و مسئول اجرای برنامه تنظیم خانواده، از لحاظ زمانی، در طول و همزمان با برنامه‌ای توسعه چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱) و پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶) کشور تحقق یافت، که دوره ده‌ساله است (امانی، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۵).

۲-۳-۲- پس از انقلاب اسلامی

از سال ۱۳۵۷-۱۳۶۷

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه تنظیم خانواده به حال تعطیل در آمد و در نتیجه، سطح موالید کشور، سیر فزاینده سریعی را آغاز کرد. در پنج سال پیش از انقلاب، تعداد متوسط موالید سالانه به حدود ۱ میلیون و ۳۵۵ هزار می‌رسید که یکبار در سال اول انقلاب (۱۳۸۵) به حدود ۱ میلیون و ۶۷۰ هزار افزایش یافت؛ ولی در سال‌های بعد، از این هم فراتر رفت و در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ (۷ سال) به متوسط سالانه ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تولد رسید. در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۶۷ احتمالاً به دلیل مشکلات و دشواری‌های ناشی از جنگ تحمیلی، شتاب

^۱ Cultural Lag

^۲ Poulution Problem

موالید قدری آرام گرفت و به حدود ۱ میلیون و ۹۰۰ هزار کاهش یافت. در سال های جنگ تحمیلی، عامل جمعیت به مثابه نیروی اجتماعی-سیاسی از طرف دولت و جامعه تلقی شد و برای تقویت این نیرو، به کثرت جمعیت و در نتیجه افزایش موالید توجه شد و احتمالاً خانواده هایی که پسران جوان خود را بر اثر تلفات جنگی از دست داده بودند، فرزند یا فرزندان دیگری جایگزین آن ها کردند. میزان باروری سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ حاکی از این است که در گروه های سنی زنان بیشتر از سی ساله در سال ۱۳۵۵ جمع تراکمی میزان باروری به طور میانگین ۲/۵ و در سال ۱۳۶۵، ۳ تولد بوده است که این بدان معناست که ظاهراً مادران بالاتر از سی سال که پسران جوان خود را در جنگ از دست داده بودند، در سنین نسبتاً بالای دوره باروری، به تجدید باروری روی آورده اند (امانی، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۸).

از سال ۱۳۶۷-۱۳۹۰

پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ و با توجه به مشکلات و مسائل فراوان ناشی از افزایش جمعیت، دولت و جامعه به سرعت پذیرای سیاست جمعیتی در جهت یافتن میزان منطقی و عقلایی رشد جمعیت شدند و به این نتیجه رسیدند که حتی در غیاب درون کوچی های و مهاجرت های خارجی که جمعیت کل کشور را به سطح و رقم بی سابقه ای رسانده بودند، باز هم رشد طبیعی و خالص جمعیت بسیار بالا و بیشتر از ۳ درصد در سال است (امانی، ۱۳۸۸: ۹۸)، سرانجام، نظام اسلامی در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد، با توجه به رشد بالای جمعیت کشور و بر اساس دیدگاه های کارشناسی موجود، سیاست تحدید موالید را در پیش گرفت. گفتنی است همان زمان نیز برخی از کارشناسان حوزوی و دانشگاهی، با سیاست تحدید موالید مخالفت کردند و از دیدگاه های گوناگون فقهی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و پزشکی، به نقد و بررسی آن پرداختند. در سال ۱۳۶۸، به «تصویر کلان برنامه» پرداخته و خطوط «کلی سیاست تحدید موالید کشور» به تصویب رسید و در طی آن برای کاهش باروری عمومی و نرخ رشد طبیعی جمعیت راهکارهایی ارائه شد. در سال ۱۳۷۲، «قانون تنظیم خانواده و جمعیت» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و بر این اساس و برای تحقق شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، در طول بیست سال اقدام های فرهنگی، آموزشی، رسانه ای، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی گسترده ای با بهره گیری از ظرفیت همه مراکز سازمان های دولتی و برخی نهادهای غیردولتی برای کاهش نرخ رشد جمعیت انجام شد، تا آن جا که میزان باروری کل از ۶/۳ در سال ۱۳۶۵ به ۱/۶ در سال ۱۳۹۰ رسید و میانگین رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱/۲۹ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافت؛ یعنی کمتر از نصف میزان پیش بینی شده در برنامه اول توسعه؛ این موضوع موجب نگرانی جمعی از کارشناسان کشور و زمینه ساز تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی شد (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۳).

از سال ۱۳۹۱ به بعد

از آغاز سال ۱۳۹۱ موضوع کاهش روزافزون جمعیت کشور به دغدغه ای برای مدیران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد و آنان را به تکاپو برای اصلاح سیاست جمعیتی کشور واداشت (معینی و نورالهی، ۱۳۹۱)؛ نخستین اقدام در این زمینه، تدوین «راهنماها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور»، مصوب ۱۳۹۱/۳/۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی بود (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۶). در ادامه این روند، در سال ۱۳۹۳ رهبر انقلاب طی ابلاغیه ای سیاست های کلی جمعیت را به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کرد که این سیاست ها، شامل ۱۴ بند و در زمینه های بالندگی و جوانی جمعیت، رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده، تحکیم بنیان و پایداری خانواده، ارتقاء امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت، فرهنگ سازی برای احترام و تکریم سالمندان، رصد مستمر سیاست های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی و غیره می باشد.

سیاست های کلی خانواده در ۱۶ بند و سیاست های کلی جمعیت در ۱۴ بند توسط امام معظم رهبری، در راستای اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از شورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، به روسای قوای سه گانه ابلاغ شده است. سیاست های کلی جمعیت با هدف جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و باروری در ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ و سیاست های کلی خانواده نیز حول محور حمایت از نهاد اجتماعی خانواده در ۱۳ شهریورماه ۱۳۹۵ ابلاغ شده است.

قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۴۰۰-۱۳۹۶) و در ادامه طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده (اصلاح مجدد در سال ۱۴۰۰) وارد کار شدند و تاکنون نیز ادامه دارند.

۲-۴- انواع سیاست جمعیتی

سیاست های جمعیتی، به چند اعتبار قابل تقسیم بندی هستند:

یک- از نظر/اجرا: دولت‌ها می‌توانند به دو روش بر تحولات جمعیتی یک کشور اثر بگذارند: نخست، از راه اجرای یک «سیاست مستقیم»^۱ و آشکار؛ دوم، از راه درپیش گرفتن «سیاست غیرمستقیم»^۲ و با واسطه. سیاست‌های مستقیم به صورت بی‌واسطه، به منظور تغییر ساختار جمعیت انجام می‌گیرد؛ مانند: تشویق موالید، مبارزه با مرگ، پیشگیری از بارداری، پذیرش کارگران خارجی و تسهیل مهاجرت به خارج از کشور. سیاست‌های غیر مستقیم همان سیاست‌های عمومی اجتماعی- اقتصادی و سوق دادن کشور در جهت ایجاد تحولاتی در ساخت و حرکات جمعیت است که در سطح کشور در پیش گرفته و اجرا می‌شود (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۴۵).

دو- از نظر ماهیت: سیاست‌های جمعیتی دو جنبه دارند: کمی و کیفی. «سیاست کمی»^۳ به ازدیاد یا کاهش جمعیت، گسترش یا محدودیت ابعاد شهرها و مهاجرت روستاییان به شهرها مربوط می‌شود؛ در حالی که «سیاست کیفی»^۴ با تندرستی جمعیت‌ها، نظارت بر ازدواج، بهداشت و تامین اجتماعی، و آموزش مهارت‌ها و تخصص‌ها در ارتباط است.

سه- از نظر دامنه: سیاست‌های جمعیتی در دو سطح اندیشیده و اجرا می‌شوند: سطح کلان و سطح خرد. «سیاست‌های جمعیتی کلان»^۵ در بسیاری از آثار و نوشته‌ها با عنوان «نظریه‌های جمعیت‌شناسی»^۶ بحث و بررسی می‌شوند و منظور از آن، سیاست‌هایی است که اولاً در سطح بسیار گسترده آغاز می‌شود و کل جامعه را در بر می‌گیرد؛ ثانیاً حالت انتظاعی و نظری دارد، درحالی که «سیاست‌های جمعیتی خرد»^۷ سیاست‌هایی است که در سطح محدودتر اجرا می‌شود؛ یعنی به جای کل جامعه، بخشی از آن را هدف قرار می‌دهد و حالت عینی، ملموس و اجرایی دارد (همان، ۱۴۵-۱۴۶).

۲-۵- روش مطالعه

هدف ما در این بررسی، ارزیابی متون اصلی مقالات علمی منتشر شده با تأکید بر سیاست‌های جمعیتی و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت است. از آنجا که امروزه در کشور ایران، تحولات جمعیتی با سیاست‌گذاری‌های مستقیم دولت‌ها در عرصه ملی و بین‌المللی پیوند تنگانی یافته است، برای نیل به این هدف، از گفتمان‌های توسعه، توسعه اجتماعی و سیاست‌های جمعیتی که در آن، سطوح مختلف ساختار (سطح کلان، میان و خرد) بیان شده است، بهره گرفته و به بررسی آثار موجود پرداخته شده است.

به منظور مطالعه ساختار یافته در حوزه جوانی جمعیت و سیاست‌های جمعیتی، پژوهش‌هایی که در مجلات علمی- پژوهشی داخلی چاپ و منتشر شده‌اند، برگزیده شده است. در میان تعداد ۸۳ مقاله علمی که مستند شده‌اند و از طریق مجلات چاپ شده، سایت اصلی مجلات و پایگاه‌های اینترنتی علمی معتبر دردسترس همگان بودند و بر هر دو بحث (سیاست‌های ابلاغی جمعیتی و قانون جوانی جمعیت) تأکید داشتند و البته از سال ۱۳۹۳ (همزمان با ابلاغ سیاست‌های جمعیتی) تاکنون (مهرماه ۱۴۰۳) منتشر شده‌اند، به عنوان نمونه‌های مورد بررسی این تحقیق مدنظر قرار گرفته‌اند.^۸ به طور کلی، پرسش‌های اصلی این مقاله عبارتند از: این مقالات در کدامیک از سطوح توسعه (کلان، میانه و خرد) قرار دارند و راهکارهای آنها در کدامیک از سطوح است؟ آیا مقالات منتشر شده به اثربخشی سیاست‌ها، ارائه راهکارهای عملی، نتایج اسناد و قوانین بالادستی پرداخته‌اند؟ و یا این مقالات، فقط بیانی علمی از وضعیت موجود یا به عبارت دیگر، بیان توصیفی دارند؟ بدین منظور، در ابتدا براساس گفتمان‌های توسعه، توسعه اجتماعی و سیاست‌های جمعیتی به‌گونه‌ای دسته‌بندی مولفه‌ها صورت گرفته و در ادامه بر مبنای شاخص‌سازی انجام شده، مقالات موجود مورد بررسی و براساس گفتمان‌های مربوطه که شالوده و مبانی نظری مقاله حاضر است-، سطوح مختلف ساختارهای مقالات دسته بندی می‌شود.

بدین ترتیب، با کمک فراتحلیل به بررسی مقالات منتشر شده پرداخته می‌شود؛ امروزه، فراتحلیل به‌عنوان «مجموعه فنون نظامداری که به حل تناقض‌ها و تضادهای آشکار یافته‌های پژوهشی می‌پردازد و علاوه بر تبدیل یافته‌های مطالعات مختلف، به یک مقیاس مشترک، رابط ویژگی‌ها و یافته‌های پژوهشی را از لحاظ آماری کشف می‌کند» (هومن، ۱۳۸۷: ۱۳)؛ در ادامه به تعابیر و دلالت‌های اصلی فراتحلیل^۹ می‌پردازیم که در این بین، به‌نظر می‌رسد چهارگونه تعبیر و دلالت از همه مهم‌تر باشد که در ادامه اجمالاً ارائه می‌شوند:

• فراتحلیل به مثابه بازنگری در پیشینه پژوهشی^{۱۰}

¹ Direct policy

² Indirect policy

³ Quantitative policy

⁴ Qualitative policy

⁵ Macro- population policies

⁶ Population theories

⁷ Micro- population policies

^۸ برای مستند کردن یافته‌های این مطالعه نیز آثار مورد بررسی در انتهای مقاله معرفی گردیده‌اند.

^۹ Meta- analysis Implications

^{۱۰} Meta- analysis as a Literature Review

تلقی فراتحلیل به مثابه بازنگری یا مرور در پیشینه پژوهشی، بر یک پارادایم مسلط و متعارف در فلسفه و جامعه‌شناسی علم مبتنی است که به پارادایم انباشتگی‌دانش^۱ معروف است. از این نظر، هدف نهادی علم، بسط و گسترش دانش محک‌خورده و معتبر است و بر همین سیاق مجموعه دانش انباشته شده، محصول عمل جمعی، مداوم و تاریخی دانشمندان است. این پارادایم، بیش از همه بر شانه‌های رابرت‌کینگ‌مرتون^۲، پدر جامعه‌شناسی علم، و طرفداران و شاگردان او در جامعه‌شناسی قدیم علم^۳ استوار است^۴ (مرتون، ۱۹۷۳؛ زاکرمن، ۱۹۸۸؛ به نقل از قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹: ۴۲-۴۱).

• فراتحلیل به مثابه یک فراارزشیابی^۵

در مواردی فراتحلیل به نوعی فراارزشیابی مورد توجه قرار گرفته است. در این برداشت هر یک از پژوهش‌های انجام شده به مثابه یک ارزشیابی^۶ فرض شده است. در این دیدگاه، تحلیل‌تحلیل‌ها (فراتحلیل) در واقع نوعی ارزشیابی ارزشیابی‌ها (فرا ارزشیابی) است. این تعبیر پیش از همه توسط کوک و گرادر^۷ (۱۹۷۸) بسط یافته است. آن‌ها، مدل‌های مختلف فراارزشیابی را با توجه به سه عامل نشان می‌دهند. این سه عامل عبارتند از: زمان بندی^۸، میزان دستکاری یا مداخله داده‌ها و تعداد مطالعات (پژوهش‌های) مورد بررسی (اشتراک^۹ و کوک^{۱۰}، ۱۹۹۱: ۵۸-۵۹؛ به نقل از ودادهیر و قاضی طباطبایی، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۴)؛ به همین جهت در بررسی مطالعات در این مقاله، این سه عامل مورد نظر قرار گرفته و در بررسی‌ها به آن‌ها توجه شده است.

• فراتحلیل به مثابه یک تحلیل ثانویه^{۱۱}

طبق نظر برخی از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، مثل رزنتال و روزنو^{۱۲} (۱۹۹۱) و لویت^{۱۳} (۱۹۹۱)، فراتحلیل درواقع نوعی تحلیل ثانویه^{۱۴} است. برای مثال، لویت در کتاب خود با عنوان «روش‌های پژوهش برای دانشمندان علوم رفتاری»، فراتحلیل را زیر مجموعه یا زیر طبقه‌ای از تحلیل ثانویه می‌داند. از این نظر، وقتی که نتایج مطالعات چاپ شده با محوریت موضوعی خاص (بدون داشتن داده‌های اولیه^{۱۵})، به صورت کمی ترکیب شده و به استخراج یک نتیجه‌گیری کلی منجر شود، فراتحلیل را می‌توان به مثابه نوعی تحلیل ثانویه داده‌ها قلمداد کرد (لویت، ۱۹۹۹: ۲۶۵؛ به نقل از ودادهیر و قاضی طباطبایی، ۱۳۸۹: ۴۶).

• فراتحلیل به مثابه تحولی پارادایمی^{۱۶}

فراتحلیل با به چالش کشیدن بدنه دانش و شواهد بنیادی (شالوده‌های) منبعث از پارادایم‌های موجود از طریق بررسی‌ها و واکاوی‌های دقیق‌تر، در واقع نوع تحول پارادایمی در شیوه‌های فهم و انجام فعالیت‌های علم فناوریانه در دنیای اجتماعی، فرهنگی، روانی و رفتاری است. به نظر می‌رسد که چنین تحولی با اتکا بر مطالعات اولیه انفرادی و با استفاده از روش‌های سنتی در بازنگری بدنه دانش و پیشینه موجود میسر نیست (ودادهیر و قاضی طباطبایی، ۱۳۸۹: ۴۸).

^۱ Knowledge Accumulation

^۲ Robert K. Merton

^۳ Old Sociology of Science

^۴ البته ذکر این نکته ضروری است که پارادایم را نمی‌توان صرفاً به رابرت مرتون منسوب کرد؛ برای این که کارل رایمون پوپر (۲۰۰۲/۱۹۹۲)، فیلسوف علم و متفکر اجتماعی و سیاسی معاصر نیز رویکرد مشابه و در عین حال متمایزی ارائه کرده است. هم سو با مرتون، پوپر نیز معتقد است که علم حالت انباشته دارد، لیکن برخلاف او که بر ماهیت انباشته دانش محک‌خورده و معتبر تأکید می‌کرد، پوپر بر این باور است که علم چیزی نیست جز اجساد نظریه‌ها و فرضیه‌های ابطال شده. از نظر پوپر، همین نظریه‌ها و آرا مرده‌اند که با کاهش میزان جهالت ما از جهان به گسترش و پیشبرد علم کمک می‌کنند (پوپر، ۲۰۰۲؛ هنکِل، ۱۹۷۶؛ وادهیر و همکاران، ۱۳۸۷).

^۵ Meta- analysis as a Meta- Evaluation

^۶ Evaluation

^۷ Cook T. D. & C. L. Gruder

^۸ Timing

^۹ Straw

^{۱۰} Cook

^{۱۱} Meta- Analysis as a Secondary Analysis

^{۱۲} Rosenthal & Rosnow

^{۱۳} Leavitt, Fred

^{۱۴} Secondary Analysis

^{۱۵} Original

^{۱۶} Meta- Analysis as a Paradigmatic Shift or Turn

در نتیجه، در بررسی ما در میان تحقیقات و مطالعاتی که در حوزه جمعیت انجام می‌گیرد، این مدنظر است که این مطالعات چه نقشی در بهبود سیاست‌گذاری‌های موجود در جامعه داشته باشد؟ آیا این مطالعات، صرفاً بیانی علمی از وضعیت موجود و به شکلی بیان توصیفی بدون بیان علل، پیامدها، راهکارها می‌باشد؟ این راهکارها و بررسی‌ها در کدام یکی از سطوح ساختاری قرار دارند؟ به‌منظور بررسی آثار جمعیت‌شناسی در حوزه سیاست‌های جمعیتی، مطالعات و پژوهش‌هایی که در مجلات داخلی معتبر و علمی-پژوهشی چاپ و منتشر شده‌اند، برگزیده شده است. در میان این مطالعات علمی، تأکید ما بر مطالعاتی بود که مستند شده‌اند و دردسترس همگان هستند؛ این مطالعات از سال ۱۳۹۳ به بعد (طی یک دهه) بوده‌اند؛ و به سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در این زمان و پس از آن پرداخته‌اند. در بین آن‌ها، تعداد ۸۳ مطالعه به‌عنوان نمونه‌های مورد بررسی این تحقیق مدنظر قرار گرفته‌اند. در جهت مستند کردن یافته‌های این مطالعه نیز، نام نویسندگان و سال چاپ آن‌ها در مقاله ارجاع داده می‌شود. در این زمینه، فرآیند شکل‌گیری گفتمان‌های توسعه، توسعه اجتماعی و سیاست‌های جمعیتی بر سطوح مختلف ساختار (سطح کلان، میان و خرد) مورد بررسی قرار گرفته و مقالات منتشر شده براین اساس مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفتند:

الف- سطح کلان

این سطح شامل: ۱-گفتمان‌های توسعه، ۲- توسعه اجتماعی و ۳- شکل‌گیری سیاست‌های جمعیتی است.

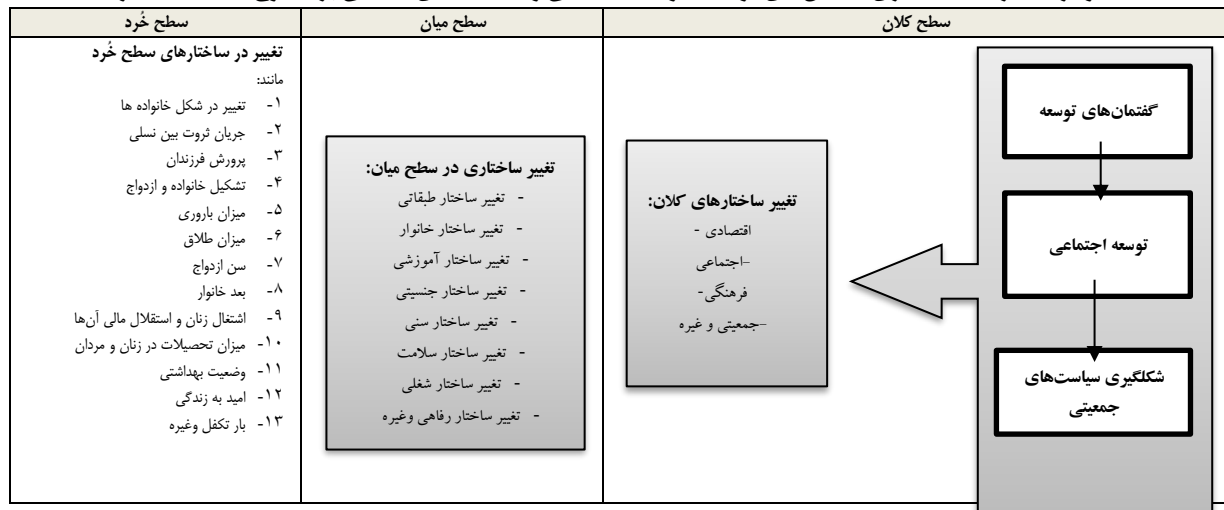
ب- سطح میان

شامل تغییرات ساختاری در سطح میان است مانند تغییر ساختار طبقاتی، تغییر ساختار خانوار، تغییر ساختار آموزشی، تغییر ساختار جنسیتی، تغییر ساختار سلامت، تغییر ساختار شغلی، تغییر ساختار رفاهی و غیره.

ج- سطح خرد

این سطح شامل تغییر ساختارهای سطح خرد شکل‌های خانواده‌ها، جریان ثروت بین نسلی، تشکیل خانواده، ازدواج، میزان باروری، میزان طلاق، سن ازدواج، بُعد خانوار، اشتغال زنان و استقلال مالی آن‌ها، میزان تحصیلات در زنان و مردان، وضعیت بهداشت، امید به زندگی، بار تکفل و غیره است. مواردی که تغییرات در آن‌ها با میزان مولید در ارتباط است.

نمودار ۱- فرآیند شکل‌گیری گفتمان‌های توسعه، توسعه اجتماعی و سیاست‌های جمعیتی بر سطوح مختلف ساختار



(حیدری و همکاران، ۱۳۹۵)

این گفتمان‌های نظری به دلیل اعتبار علمی و از سویی، تلفیق نظریه‌های در سطوح کلان، میانه و خرد بر سطوح مختلف ساختارها با درنظر گرفتن بحث‌های توسعه، توسعه اجتماعی و سیاست‌های جمعیتی به‌عنوان شالوده اصلی این پژوهش انتخاب و مقالات براساس آن، ارزیابی شده است.

۲-۶- یافته‌های پژوهش

با توجه به این که تحولات جمعیت و اجتماعی با سرعت زیادی در جامعه صورت می پذیرند، برنامه ریزی های جمعیتی نیز نه تنها باید همزمان با تحولات شکل گرفته و اعمال شوند؛ بلکه طراحی و اعمال این سیاست ها باید همواره به صورت پویا بوده و قابلیت ارزیابی، نقد و بررسی داشته باشند. از طرفی اهمیت سیاست جمعیتی و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، به عنوان یکی از مولفه های اساسی در جامعه ایران بر کسی پوشیده نیست.

همین امر، منجر به این می شود که در این تحقیق به بررسی این سیاست ها در مقالات منتشر شده با استفاده از روش فراتحلیل و با تکیه بر گفتمان های توسعه، توسعه اجتماعی و سیاست های جمعیتی، به بررسی ۸۳ مقاله و مطالعات علمی ارائه شده پرداخته و ضمن نقد و بررسی این تحقیقات، نتایج حاصل از ترکیب آن ها را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

جدول ۲- سطوح مختلف مقالات مورد بررسی

ردیف	سطح کلان	سطح میان	سطح خرد
۱	صادقی و همکاران (۱۳۹۴)	کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۳)	اسحاقی و همکاران (۱۳۹۳)
۲	حیدری و همکاران (۱۳۹۴)	رازقی نصرآباد و سرائی (۱۳۹۳)	مهربانی (۱۳۹۴)
۳	سرای (۱۳۹۴)	افشاری (۱۳۹۴)	رضوی زاده و پیکانی (۱۳۹۴)
۴	حسینی (۱۳۹۴)	محمودی و همکاران (۱۳۹۴)	کاظمی و همکاران (۱۳۹۵)
۵	عبداللهی و فرجادی (۱۳۹۵)	کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۵)	عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۵)
۶	عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۵)	کلانتری بنادکی و همکاران (۱۳۹۵)	عسگری ندوشن و همکاران (۱۳۹۵)
۷	کلانتری بنادکی و همکاران (۱۳۹۶)	رازقی نصرآباد (۱۳۹۵)	میززایی و همکاران (۱۳۹۶)
۸	اجاق و عباسی شوازی (۱۳۹۷)	نصراللهی وسطی و آقایی هیر (۱۳۹۵)	صباغچی و همکاران (۱۳۹۶)
۹	پژهان و همکاران (۱۳۹۸)	کاظمی و همکاران (۱۳۹۵)	فطرس و همکاران (۱۳۹۶)
۱۰	ثمنی و شهریاری (۱۳۹۹)	آقایاری هیر و همکاران (۱۳۹۶)	بنی هاشمی و همکاران (۱۳۹۷)
۱۱	اکرمی و همکاران (۱۴۰۰)	پوراحتشام و محدثی فر (۱۳۹۷)	ترابی و همکاران (۱۳۹۷)
۱۲	مقدسی و روستایی (۱۴۰۰)	نرسیانس و همکاران (۱۳۹۷)	شمس (۱۳۹۷)
۱۳	مقدسی و همکاران (۱۴۰۰)	شهبازین و همکاران (۱۳۹۷)	رازقی و همکاران (۱۳۹۸)
۱۴	شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۰)	دلیری (۱۳۹۷)	ترابی و شیدانی (۱۳۹۸)
۱۵	رضایی (۱۴۰۰)	باقری و همکاران (۱۳۹۸)	کاردوانی (۱۳۹۸)
۱۶	نجاتیان (۱۴۰۰)	محزون و همکاران (۱۳۹۸)	عرفانی و همکاران (۱۳۹۹)
۱۷	شمس الدینی و سلیمانی (۱۴۰۱)	نجاتیان و همکاران (۱۳۹۸)	صادقی و اسماعیلی (۱۳۹۹)
۱۸	ترکاشوند و همکاران (۱۴۰۱)	بگی و عباسی شوازی (۱۳۹۹)	شریعتی نسب (۱۴۰۱)
۱۹	روستایی و مقدسی (۱۴۰۱)	مروت و همکاران (۱۳۹۹)	میرهاشمی (۱۴۰۲)
۲۰	جوادی و همکاران (۱۴۰۲)	اسفندیار و هاشمیان (۱۳۹۹)	
۲۱	میرحسینی و مجتهدی (۱۴۰۲)	تاج بخش (۱۳۹۹)	
۲۲	کرمی و آبرومند (۱۴۰۲)	فروتی و بیژنی (۱۴۰۰)	
۲۳	صادق پور (۱۴۰۲)	عباسی شوازی و اسماعیلی (۱۴۰۰)	
۲۴	اصلانی و امینی (۱۴۰۳)	امامی و همکاران (۱۴۰۰)	
۲۵	علایی و حکم آبادی (۱۴۰۳)	ترابی و شمس (۱۴۰۰)	
۲۶		قربانی و شمس (۱۴۰۰)	
۲۷		رادان (۱۴۰۰)	
۲۸		صاقی و خواجه نژاد (۱۴۰۰)	
۲۹		رازقی نصرآباد و باستانی (۱۴۰۱)	
۳۰		شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱)	
۳۱		محمودیان و همکاران (۱۴۰۱)	
۳۲		عباسی شوازی و همکاران (۱۴۰۲)	
۳۳		فولادی (۱۴۰۲)	
۳۴		دنیایی و مومنی (۱۴۰۲)	
۳۵		پورآتشی (۱۴۰۲)	
۳۶		اسماعیلی و عباسی شوازی (۱۴۰۲)	
۳۷		حیدری و همکاران (۱۴۰۲)	
۳۸		قیصر و همکاران (۱۴۰۳)	
۳۹		دراهمی و اخوان ارمکی (۱۴۰۳)	
مجموع	۲۵	۳۹	۱۹
درصد	۳۰.۱	۴۷	۲۲.۹

طی بررسی و ارزیابی‌های به عمل آمده، مشاهده شده که در بین سطوح مختلف ساختاری در گفتمان‌های توسعه، توسعه اجتماعی و سیاست‌های جمعیتی (کلان، میان و خرد) بیشترین بُعد مورد توجه که نقش اساسی را در بررسی‌های علمی در یک دهه اخیر (بعد از ابلاغ سیاست‌های جمعیتی) به خود اختصاص داده، در سطح میانه بوده است (۴۷ درصد). پس از آن، بیشتر مقالات در سطح کلان و با بررسی تغییر ساختارهایی چون ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و غیره با ۳۰.۱ درصد و همچنین، ۲۲.۹ درصد مقالات مورد بررسی نیز در سطح خرد از قبیل مباحث سن ازدواج، میزان باروری، اشتغال زنان، میزان تحصیلات زنان و مردان و غیره بوده است.

۷-۲- بحث و نتیجه گیری

نتایج حاکی از آن است که میان متغیرهای بررسی شده (تغییر ساختاری در سطح میان شامل مواردی چون تغییر ساختارهای طبقاتی، ساختار خانوار، ساختار آموزشی، ساختار جنسیتی، ساختار سنی، ساختار سلامت، ساختار شغلی، ساختار رفاهی و غیره)، از جمله عواملی هستند که بیش از سایر عوامل در بررسی‌های سیاست جمعیتی در ایران و گفتمان‌های توسعه مورد سنجش قرار گرفته است. این نتایج نشان می‌دهد که در بیشتر تحقیقات انجام شده، متغیرهای جمعیتی که در سطح ساختارهای میانه به عنوان یک مسئله نگریسته‌اند، مورد توجه قرار گرفته و تأثیرات آنها با نگاه به تغییرات ساختاری در سطح کلان و البته تأثیرات سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در سطح کلان چندان گره‌ای نخورده است بلکه مباحثی چون تغییرات نسلی زنان، تغییرات در سبک‌های زندگی، تحولات در زمینه‌های برابری جنسی و غیره بیش از سایر مباحث مورد بررسی قرار گرفته شده است.

از تعداد ۸۳ مطالعه مورد بررسی در حوزه سیاست‌های جمعیتی (بعد کلان) تعداد ۲۵ مورد، ۳۹ مورد در قلمرو میانه و ۱۹ مورد در حوزه خرد با ۲۲.۹ درصد است (جدول شماره ۲)؛ بدین ترتیب اگرچه مقالات مورد بررسی به عنوان نمونه هستند اما با توجه به بررسی زمینه‌های علمی در این حوزه مطالعات منتشر شده در مجلات علمی پژوهشی مشخص شد که توجه به سطح میانه با نگاه به ساختارهای طبقاتی، اجتماعی، جنسیتی و غیره سیطره دارد و حضور مطالعات در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان و توجه به مسائل خرد در زمینه فرزندآوری و جمعیت کم‌رنگ است. از سویی، نگاه تلفیقی در مطالعات حائز اهمیت بوده و این نکته حائز اهمیت است که در بررسی موضوع جمعیتی نگاه تک ساحتی می‌تواند محقق را جزئی نگر و نگاه فرآیندی و چندعاملی را محدود سازد.

اما با نگاهی دیگر، که در بررسی مقالات مربوطه تعداد ۳۹ مقاله (حدود نیمی از مقالات مورد بررسی) با نگاهی چندجزئی در کنار توجه به تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سطح کلان به ساختار جمعیتی و نگاه در سطح میانه رجوع کرده و رویکردی تلفیقی با راهکارهایی متناسب ارائه کرده‌اند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴)، (کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۵)، (نصراللهی وسطی و آقایاری هیر، ۱۳۹۵)، (آقایاری هیر و همکاران، ۱۳۹۶)، (رازقی نصرآباد و باستانی، ۱۴۰۱).

در ادامه توجه به پیامدهای بی توجهی به کاهش نرخ باروری، عدم برنامه ریزی در این عرصه، سالمندی جمعیت را در پی دارد، از آنجایی که با افزایش تعداد سالمندان کشور و نیز پیش‌بینی افزایش تعداد و سهم سالمندان (جمعیت ۶۰ سال بالاتر) در سال‌های آتی، میزان هزینه‌های درمانی و تأمین اجتماعی افزایش می‌یابد که در برخی از مقالات به این مهم توجه شده است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۹)، (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶) اما از آنجا که این تحقیق به دنبال بررسی مقالاتی بود که نگاه به وضعیت جوانی جمعیت و طرح‌های حمایتی داشتند، با نگاهی ویژه به بررسی این مقالات و دسته‌بندی آنها توجه نشد.

بر اساس گزارش‌های توسعه انسانی، ثروت واقعی هر کشوری را جمعیت آن کشور تشکیل می‌دهد و جمعیت همواره به عنوان یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های قدرت دولت‌ها به شمار رفته و هنوز هم نیرومندترین دولت‌ها از میان پرجمعیت‌ترین آن‌هاست (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۴). بررسی‌های جمعیتی نشان می‌دهد که در کشور ایران طی چند دهه اخیر، با چالش‌های باروری روبرو هستیم، روندی که نیازمند برنامه ریزی بود. با این حال، علی‌رغم تغییر رسمی سیاست‌های جمعیتی کشور از سال ۱۳۹۳ و تأکیدات ویژه بر موضوع افزایش باروری، جوانی جمعیت، حمایت از خانواده‌های دارای چندفرزند، تشکیل ستادهای ویژه پیرامون موضوع جمعیت و خانواده و مواردی از این دست، اما همچنان با روند کاهشی میزان باروری و رشد جمعیت در کشور روبرو هستیم به نوعی که طبق آخرین داده‌های سرشماری و بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، این روند کاهشی همچنان ادامه دارد.

از طرفی تأکید بر وجوه ترکیبی (هم بررسی وجوه جمعیتی و هم بررسی سیاست‌ها جمعیت) بیش از وجوه خاص بود؛ تاکنون مطالعاتی، سازمان جمعیتی و به نوع خاص جنبه جمعیتی جامعه را به شیوه‌های موشکافانه مورد بررسی قرار داده‌اند؛ چنان‌که مشاهده می‌شود برخی از مطالعات جنبه‌های مثبت آن را تأیید نموده‌اند و بیشتر مطالعات بر وجوه منفی آن تمرکز و آن‌ها را با نگاهی نقادانه بررسی و تأکید بر نیاز به بازنگری در سیاست‌ها را بیان نموده‌اند و با توجه به معیارهای روش‌شناختی و نظری و از جنبه کاربردی بودن، شکل مقالات علمی و روابط منطقی میان اجزای آن، از پایین بودن کیفیت سیاست‌ها در زمینه مسائل جمعیتی سخن به میان آورده‌اند؛ اما در مجموع، مطالعاتی که در

سطح کلان به بررسی سیاست های جمعیتی، توسعه و جمعیت و توسعه اجتماعی پرداخته اند، بیشتر به تشریح سیاست ها (جنبه توصیفی) پرداخته و در مطالعات کمتری می توان راهکاری برای بهبود تنظیم خانواده و سیاست های جمعیتی مشاهده کرد.

بررسی های تحقیقات از سال ۱۳۹۳ (همزمان با ابلاغ سیاست های جمعیتی کشور) نیز نشان می دهد که این روند در کشور وجود دارد که البته حائز اهمیت بوده و باید در بررسی های علمی به عنوان کانون توجه قرار می گرفت. اگرچه توجه به سطح میانه و تلفیق توجه به حوزه های کلان و خرد در مطالعات و پژوهش های علمی در عرصه جمعیت مناسب است اما به نظر می رسد با توجه به ابلاغ سیاست های جمعیتی و گذشت یک دهه از آن نیاز به بررسی های علمی با نگاه کلان و البته توسعه ای است تا علاوه بر بررسی پیامدهای این سیاست ها، آسیب شناسی آن، اثربخشی و البته اثرات آن (مثبت و منفی) نیز مورد بررسی علمی قرار می گرفت و به نوعی، نتایج حاصله از این تحقیقات، کاربردی تر، منسجم تر و البته قابل استفاده در عمل می شد.

به هر حال این مسئله به قوت خود باقی است که ما در حال حاضر دامنه ای نسبتاً گسترده از مسائل جمعیتی داریم که به آن روبه رو هستیم؛ معضلات این حوزه چنان درهم تنیده اند که نمی توان بدون توجه به آن ها سیاست گذاری های جمعیتی و برنامه ریزی های تنظیم خانواده انجام گیرند؛ پس بایستی این علل در مطالعات مربوطه به شکلی بسط داده شود که در خود نه تنها بیان وضع موجود جامعه ایران از نظر جمعیتی را داشته باشد، بلکه مسائل جمعیتی را همراه با بیان علل، زمینه ها، چالش ها و فرصت ها، در نهایت نحوه برنامه ریزی و بازنگری ها را در خود داشته باشد و بر مبنای سیاست های ابلاغی جمعیت و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به بررسی آنها پرداخته و در صورت اصلاح این اسناد بالادستی و مطالبه گری اجرای صحیح آنها نیز قدمی برداشته و ارائه راهکار نماید.

هم چنین از آنجا که جوانان، کنشگران اصلی توسعه و تغییرات اجتماعی هستند، لازم است در بررسی سیاست های جمعیتی و توسعه اجتماعی با نگاه به مقوله جمعیت، بیش از پیش بر حوزه جوانان توجه شود، حال آنکه مطالعات صورت گرفته در سطح خرد تنها بر جوانان توجه دارند و در سطح کلان کمتر به این کنشگران اصلی توسعه توجه شده است؛ حال آنکه با بررسی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مشاهده می شود که ۱۸ ماده قانونی^۱ به صورت مسئله محوری در حوزه تاخیر و صعوبت ازدواج جوانان مورد نظر است اما در پژوهش های علمی اثربخشی، پیامدها و نتایج این قانون ها و یا حتی خوانش این ماده قانونی ها مورد بررسی قرار نگرفته اند.

فهرست منابع

۱. اجاقی، سیده زهرا، و عباسی شوازی، محمدجلال. (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان سیاست های رسانه ای شده افزایش جمعیت: ارائه یک راهبرد ترویجی، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۳ (۲۵): ۱۳۳-۱۶۴.
۲. اسحاقی، محمد؛ محبی، سیده فاطمه؛ پاپی نژاد، شهربانو و زینب جهاندار (۱۳۹۳)، چالش های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۲ (۱): ۱۳۴-۱۱۱.
۳. اسفندیار، حدیثه؛ هاشمیان، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۹)، تأثیر مدیریت بدن بر کاهش باروری، جمعیت، شماره ۱۱ و ۱۱۲: ۲۳۳-۲۰۷.
۴. اسماعیلی، نصیبه و محمدجلال عباسی شوازی. (۱۴۰۲)، پیش بینی تغییر رفتار باروری زنان در استان تهران بر اساس رویکرد فرهنگی با استفاده از مدل سازی عامل بنیان، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال ۲۴، شماره ۶۲: ۷۹-۳۸.
۵. اصلانی، بیتا، امینی، عباس. (۱۴۰۱)، تحلیل دگرگونی های ساختاری جمعیت روستایی در استان اصفهان از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، جامعه شناسی کاربردی، سال ۳۳، شماره پیاپی ۸۵، شماره اول: ۶۲-۳۵.
۶. اطاعت، جواد. (۱۳۹۰). جمعیت و توسعه پایدار در ایران. رفاه اجتماعی، ۱۱ (۴۲)، ۷-۳۶.
۷. افشاری، زهرا. (۱۳۹۴)، برابری جنسیتی و باروری در ایران، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۳، شماره ۲: ۲۶۲-۲۴۵.
۸. اکرمی، سیدمحمد؛ پروین، خیرالله و محدثه رزمجو. (۱۴۰۰)، بررسی حقوقی غربالگری سلامت جنین و سقط درمانی در طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده، مجله حقوق پزشکی، دوره پانزدهم، شماره ۵۶.
۹. امامی، عادل؛ عسکری ندوشن، عباس؛ ترکاشوند مرادآبادی، محمد و فاطمه ترابی. (۱۴۰۰)، تاخیر ازدواج در ایران: تفاوت های شهرستانی در الگوهای تجرد مردان و زنان، مطالعات جمعیتی، دوره ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۳: ۶۵-۳۵.
۱۰. امانی، سیدمهدی. (۱۳۸۸)، جمعیت شناسی عمومی ایران، تهران: سمت، چاپ چهارم.
۱۱. آقایی هیر، توکل؛ گلابی، فاطمه؛ مهدی شفیعی زالی. (۱۳۹۶)، مطالعه تأثیر تحولات جمعیتی بر برابری جنسیتی در ایران (با تأکید بر ترکیب جمعیت)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۵، شماره ۳: ۴۰۱-۳۸۳.

^۱ مواد قانونی ۷، ۸، ۱۶، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۶ و ۴۸ درخصوص تاخیر و صعوبت ازدواج جوانان است.

۱۲. باقری، شهلا، مداحی، جواد و طاهره لطفی خاچکی. (۱۳۹۸)، بر ساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی دانشجویان دختر شهر مشهد)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۷، شماره ۱: ۴۹-۴۳.
۱۳. برایانت، جان. (۱۳۸۳)، آیا پیش‌بینی‌های جمعیتی می‌تواند برای آزمون حساسیت مدل‌های سیاست‌گذاری به کار رود، مترجمان: حسین طباطبایی‌علوی و طه نوراللهی، نشریه اقتصاد، شماره ۶۱.
۱۴. بگی، میلاد؛ عباسی شوازی، محمد جلال. (۱۳۹۹)، عوامل تعیین کننده کاهش بُعد خانوار در ایران طی چهار دهه اخیر، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۶، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱: ۳۶-۳.
۱۵. بنی هاشمی، فریاسادات؛ علی مندگاری، ملیحه؛ کاظمی‌پور، شهلا و محمد غلامی فشارکی. (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان طلاق استان‌های ایران با استفاده از مدل تحلیل مسیر، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۴، شماره ۲، شماره پیاپی ۸: ۲۱۰-۱۸۱.
۱۶. پژهان، علی، افشاری، پروانه، و کمالی‌ها، آیتا. (۱۳۹۷)، برخورد نسل‌ها- جوانی جمعیت و خشونت سیاسی. جامعه پژوهی فرهنگی، ۹(۲)، ۲۷-۱.
۱۷. پوراحشام، محمد و محسن محدثی فر. (۱۳۹۷)، رابطه بین جرم و نرخ باروری با رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی، سال ۱۸، شماره ۶۸: ۱۶۵-۱۳۷.
۱۸. پورآشتی، مهتاب. (۱۴۰۲)، اولویت بندی گزیدارهای آموزشی و مشاوره ای دانشگاه به نومتأهلان دانشجوی: گامی همسو با قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۴۷: ۴۸۲-۴۵۵.
۱۹. تاج بخش، غلامرضا. (۱۳۹۹)، مطالعه زمینه‌ها و بسترهای کاهش نرخ باروری: پژوهش کیفی، جمعیت، شماره ۱۱۳ و ۱۱۴: ۹۶-۶۹.
۲۰. ترابی، فاطمه و رضا شیدانی. (۱۳۹۸)، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان ۴۹-۱۵ ساله ساکن شهر تهران به فرزندآوری کمتر، مطالعات زن و خانواده، دوره هفتم، شماره ۲، پیاپی ۱۴: ۶۷-۳۱.
۲۱. ترابی، فاطمه؛ شمس قهفرخی، زهرا. (۱۴۰۰)، عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در ایران و جهان، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال شانزدهم، شماره ۳۲: ۱۷۵-۱۴۱.
۲۲. ترابی، فاطمه؛ میرزایی، محمد و محمد حدادی. (۱۳۹۷)، تعیین کننده‌های بُعد خانوار در شهرستان‌های ایران در سال ۱۳۹۰، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲۵: ۱۳۲-۱۰۷.
۲۳. ترکاشوند مرادآبادی، محمد؛ شمس قهفرخی، فریده و لیلا زندگی ناوگران. (۱۴۰۲)، تغییرات جمعیتی ایران و پیامدهای امنیتی آن در آینده، دوفصلنامه علمی مطالعات توسعه اجتماعی-اقتصادی، دوره ۱، شماره پیاپی ۱، ۲۶۳-۲۳۰.
۲۴. تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۷۸)، مبانی جمعیت شناسی، تهران: جامعه پژوه و دانیال، چاپ چهارم.
۲۵. ثمنی، لیلا؛ شهریاری، معصومه. (۱۳۹۹)، ارزیابی رویکرد قوانین و اسناد بالادستی به بُعد کیفی افزایش جمعیت، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۶، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۲: ۳۳۷-۳۱۵.
۲۶. جوادی، ناصر؛ تقدسی، محسن و لیلا آبادیان. (۱۴۰۲)، جایگاه پرستاران در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ایرانی: طرح یک دیدگاه، نشریه پژوهش پرستاری، دوره ۱۸، شماره ۳.
۲۷. چالمرز، آلن. ف. (۱۳۷۴)، چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ترجمه: سعید زیباکلام، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲۸. حسینی، حاتم. (۱۳۹۴)، وضعیت‌های متعارض و مسئله سیاست گذاری جمعیت در ایران، فصلنامه جمعیت، سال بیست و دوم، شماره ۹۳ و ۹۴: ۴۵-۱۹.
۲۹. حسینی، حاتم. (۱۳۹۰)، گذار جمعیت‌شناختی، پنجره فرصت، پاداش جمعیتی: به سوی یک سیاست جمعیتی جدید در ایران، همایش تحلیل روندهای جمعیتی کشور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۳۰. حسینی، حاتم. (۱۳۹۱)، باروری پایین و پیامدها و گزینه‌های سیاسی، همایش ملی جمعیت، تعادل و راهبردها، تهران: تالار بزرگ کشور.
۳۱. حسینی، حاتم؛ بگی، بلال. (۱۳۹۱)، تغییرات ساختار سنی و خلا سیاست‌گذاری جمعیتی در ایران، همایش انجمن جمعیت شناسی ایران «تحولات ساختار سنی جمعیتی ایران و پیامدهای آن»، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، تالار ابن‌خلدون.
۳۲. حسینی، حاتم؛ عرفانی، امیر؛ پاک‌سرشت، سلیمان و بلال بگی. (۱۳۹۱)، نیاز برآورده نشده بهداشت بارداری و تعیین کننده‌های آن در میان زنان گُرد شهر مهاباد، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، شماره ۲.
۳۳. حیدری، سیامک، زنجانی، حبیب‌اله، و باقر ساروخانی. (۱۳۹۴)، توسعه اجتماعی و سیاست‌های جمعیتی در ایران (بعد از انقلاب از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵)، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۵: ۴۷-۱.

۳۴. حیدری، عصمت؛ ساروخانی، باقر و افسانه ادریسی. (۱۴۰۲)، بررسی جامعه‌شناختی تاثیر عوامل اجتماعی بر گرایش زنان به تک فرزندی، فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره ۱۲، شماره ۳، شماره پیاپی ۴۸، ۱۰۸۲-۱۰۵۵.
۳۵. دراهکی، احمد؛ اخوان ارمکی، معصومه. (۱۴۰۳)، نگرش به هویت مادری و قصد فرزندآوری: مطالعه‌ای در میان زنان دارای حداقل یک فرزند مناطق شهری شهرستان کاشان، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۲، شماره ۱: ۲۴۵-۲۷۰.
۳۶. دلیری، حسن. (۱۳۹۷)، تاثیر متغیرهای اقتصادی بر نرخ باروری در استان های ایران، اقتصاد و توسعه منطقه ای، دوره جدید، شماره ۱۵: ۹۶-۶۷.
۳۷. دنیایی، مجتبی؛ مومنی، حسن. (۱۴۰۲)، تحلیل الگوی فضایی اجتماعی- اقتصادی توسعه جمعیت در واحدهای سکونتگاهی شهرستان شبستر، دوفصلنامه علمی مطالعات توسعه اجتماعی- اقتصادی، دوره ۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۲.
۳۸. دهقانی، بهاره؛ دشتبان فاروجی، مجید؛ خوشنودی، عبدالله و محمد علی نژاد مفرد. (۱۳۹۹)، تاثیر سالمندی جمعیت بر آینده نظام بازنشستگی ایران، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۶، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱: ۲۶۱-۲۸۸.
۳۹. رادان، فاطمه. (۱۴۰۰)، تاثیر شکاف دیجیتالی بر باروری زنان، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال ۲۲، شماره ۵۴: ۲۳۲-۲۱۳.
۴۰. رازقی نصرآباد، حبیبه بی بی. (۱۳۹۵)، تفاوت های نسلی در ازدواج خویشاوندی در استان سمنان، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۲، شماره ۱، شماره پیاپی ۳: ۹۵-۱۱۷.
۴۱. رازقی نصرآباد، حبیبه بی بی؛ باستانی، سوسن. (۱۴۰۰)، مرخصی زایمان و ارتباط آن با تصمیمات باروری در زنان شاغل، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۱۶، شماره ۳۲: ۲۳۹-۲۰۵.
۴۲. رازقی نصرآباد، حبیبه بی بی؛ حسینی چاوشی، میمنت و محمدجلال عباسی شوازی. (۱۳۹۸)، عوامل موثر بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در شهر تهران با استفاده از مدل های سابقه رخداد وقایع، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰: ۱۵۶-۱۲۷.
۴۳. رازقی نصرآباد، حبیبه بی بی؛ سربابی، حسن. (۱۳۹۳)، تحلیل کوهورتی (نسلی) نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۲: ۲۵۰-۲۲۹.
۴۴. رضایی، مهدی. (۱۴۰۰)، جمعیت و سیاست در ایران، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال شانزدهم، شماره ۳۲: ۷۸-۴۱.
۴۵. رضوی زاده، ندا؛ پیکانی، تکتیم. (۱۳۹۴)، مروری بر مطالعات اجتماعی تنظیم خانواده و کاهش باروری در ایران، راهبرد فرهنگ، سال هشتم، شماره ۳۰.
۴۶. روستایی، مهرانگیز، مقدسی، محمدباقر. (۱۴۰۱)، ارزیابی سیاست های جمعیتی در سنجه اصول جرم انگاری؛ با تأکید بر قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، دوره ۱۰، شماره ۲۰: ۱۵۰-۱۱۷.
۴۷. زنجانی، حبیب الله. (۱۳۸۴)، دیدگاه های جمعیت شناسی در سیاست گذاری های راهبردی برای توسعه آتی شهر تهران، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی.
۴۸. سربابی، حسن. (۱۳۹۴)، بازتولید جمعیت ایران: وضع موجود و ملاحظات برای سیاست گذاری، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۸: ۳۴-۱.
۴۹. سمیعی نسب، مصطفی؛ و ترابی، مرتضی. (۱۳۸۹)، شاخص ها و سیاست های جمعیتی در ایران، فصلنامه برداشت دوم، سال هفتم، شماره پیاپی (۱۱) و (۱۲).
۵۰. سیاح، مونس؛ مس کار، مانا؛ و مس کار، مهلا. (۱۳۹۱)، بررسی اهمیت زمان در اعمال سیاست های جمعیتی با استفاده از مدل پویایی سیستم، مطالعات راهبردی زنان، سال چهارم، شماره ۵۵.
۵۱. شریعتی نسب، صادق. (۱۴۰۱)، سقط جنین به دلیل حرج مادر، در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، پژوهش مسائل اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۴.
۵۲. شفیعی سروستانی، ابراهیم. (۱۳۹۱)، رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی (مسئله شناسی، راهبردها و سیاست ها)؛ مجموعه گفت وگوها، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول.
۵۳. شمس قهفرخی، زهرا. (۱۳۹۷)، تاثیر مقدار ساعت کاری زنان شاغل بر باروری، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۹، شماره ۳، پیاپی ۷۱: ۱۱۶-۱۱۰.

۵۴. شمس قهفرخی، فریده؛ عسکری ندوشن، عباس؛ عینی زیناب، حسن؛ روحانی، علی و محمدجلال عباسی شوازی. (۱۴۰۰)، چالش‌های اجرای سیاست‌های تشویقی فرزندآوری: مطالعه‌ای کیفی در شهر اصفهان، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال شانزدهم، شماره ۳۲: ۱۱۲-۷۹.
۵۵. شمس قهفرخی، فریده؛ عسکری ندوشن، عباس؛ عینی زیناب، حسن؛ روحانی، علی و محمدجلال عباسی شوازی. (۱۴۰۱)، در دوراهی تصمیم به فرزندآوری: واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر اصفهان، جامعه شناسی کاربردی، سال ۳۳، شماره ۴، پیاپی ۸۸: ۱-۲۸.
۵۶. شمس‌الدینی، محمد؛ سلیمانی، غلامعلی. (۱۴۰۱)، سناریوهای آینده وضعیت جمعیتی و اقتصادی ایران از دریچه فرصت پنجره جمعیت نگاری، آینده پژوهی انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۴، پیاپی ۱۲: ۹۹-۱۱۶.
۵۷. شهبازین، سعیده؛ عسکری ندوشن، عباس و محمدجلال عباسی شوازی. (۱۳۹۷)، نقش مهاجرت داخلی در بازتوزیع جمعیت ایران (دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۷۰)، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲۵: ۳۳-۶۶.
۵۸. صادق پور، محمدجعفر. (۱۴۰۲)، تأملی در رویکرد جدید مقنن نسبت به سقط جنین در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مطالعات زن و خانواده، دوره ۱۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۸: ۱۲۷-۱۰۸.
۵۹. صادقی، رسول. (۱۳۹۹)، تحلیل چندسطحی همبسته‌های فردی و استانی باروری در ایران، مطالعات راهبردی زنان، سال بیست و دوم، شماره ۹۰: ۳۷-۶۵.
۶۰. صادقی، رسول. (۱۴۰۱)، جمعیت، توسعه و تغییرات اجتماعی، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۱۴، شماره ۴، شماره پیاپی ۵۶، ۵-۶.
۶۱. صادقی، رسول؛ خواجه نژاد، راضیه. (۱۴۰۰)، بستر فرهنگی و تفاوت‌های محله‌ای باروری در کلان شهر تهران، راهبرد فرهنگ، سال چهاردهم، شماره ۵۴: ۱۵۹-۱۴۳.
۶۲. صادقی، رسول؛ عباسی شوازی، محمدجلال و سراج الدین محمودیانی. (۱۳۹۴)، تورم جوانی جمعیت در ایران: خالهای تحقیقاتی و الزامات سیاستی، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۱۹: ۹-۴۳.
۶۳. صادقی، رسول؛ عباسی شوازی، محمدجلال و سراج الدین محمودیانی. (۱۳۹۴)، تورم جوانی جمعیت در ایران: خالهای تحقیقاتی و الزامات سیاستی، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال دهم: ۹-۴۳.
۶۴. صباغچی، مرجان؛ عسکری ندوشن، عباس و فاطمه ترابی. (۱۳۹۶)، عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد، مطالعات جمعیتی، دوره ۳، شماره ۱، پیاپی ۵: ۱۶۲-۱۳۱.
۶۵. عباسی شوازی، محمدجلال و نصیبه اسماعیلی. (۱۴۰۰)، رسانه، فرهنگ سازی و باروری: شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر باروری با استفاده از رویکرد فرایند تحلیل سلسله مراتبی، مطالعات راهبردی فرهنگ، سال اول، شماره ۱: ۷-۴۶.
۶۶. عباسی شوازی، محمدجلال؛ خانی، سعید. (۱۳۹۵)، ناامنی اقتصادی و ایده آل‌های ازدواج و باروری: مطالعه دو نسل مادران و فرزندان در شهرستان سنجند، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۲، شماره ۲، شماره پیاپی ۴: ۶۳-۹۹.
۶۷. عباسی شوازی، محمدجلال؛ ترابی، فاطمه؛ صادقی، رسول و عرافه جوادی نیا. (۱۴۰۲)، حمایت‌های غیررسمی و تمایل به فرزندآوری در بستر باروری پایین: مطالعه شهرهای نوشهر و چالوس، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۵۴: ۱۸۶-۱۴۷.
۶۸. عباسی شوازی، محمدجلال؛ حسینی‌چاوشی، میمنت. (۱۳۹۰)، تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی در ایران، معرفت در دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۳.
۶۹. عبدالهی، عادل، فرجادی، غلامعلی. (۱۳۹۵)، عقلانیت اقتصادی و اجتماعی و کنش فرزندآوری در شهر تهران، نتایج یک مطالعه کیفی، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، شماره ۲، شماره پیاپی ۴: ۱۳۱-۱۰۱.
۷۰. عرفانی، امیر، جهانبخش، رویا، و کلانتری، عبدالحسین. (۱۳۹۹)، فردگرایی و نیت باروری. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۵ (۲۹): ۲۶۴-۲۳۹.
۷۱. عسکری ندوشن، عباس؛ عباسی شوازی، محمدجلال و مریم پیری محمدی. (۱۳۹۵)، سن ایده آل ازدواج و عوامل تعیین کننده آن در شهر یزد، مطالعات راهبردی زنان، سال نوزدهم، شماره ۷۳.
۷۲. علایی، پروانه؛ حکم آبادی قشونی، مریم. (۱۴۰۳)، تجربه زیسته مادران دارای فرزند با ناتوانی‌های ذهنی - حرکتی (مقدمه‌ای بر چالش‌های روان‌شناختی مواد ۵۳ و ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۲، شماره ۱: ۸۹-۱۱۳.

۷۳. فروتن، یعقوب؛ بیژنی، حمیدرضا. (۱۴۰۰)، بی فرزندی در ایران: یافته‌ها و راهکارها، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال شانزدهم، شماره ۳: ۲۰۳-۱۷۷.
۷۴. فرهادی، یدالله. (۱۳۷۲)، سیاست‌گذاری جمعیت و وضعیت کمیسیون سیاست‌های جمعیتی، فصلنامه جمعیت، شماره ۵ و ۶.
۷۵. فطرس، محمدحسن؛ نجمی، مریم و عباس معمارزاده. (۱۳۹۶)، تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری (مطالعه موردی: ایران)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۵، شماره ۳: ۳۲۵-۳۱۱.
۷۶. فولادی، محمد. (۱۴۰۲)، تحلیلی بر مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مؤثر بر تغییرات جمعیتی و چشم انداز پیش رو در افق ۱۴۳۰، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۱، پیاپی ۴۱: ۲۲۹-۱۹۸.
۷۷. قربانی، زهرا و فاطمه ترابی. (۱۴۰۰)، تحولات سن مناسب ازدواج در ایران و تعیین کننده های آن بین سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۴، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال شانزدهم، شماره ۳۱: ۵۹-۳۳.
۷۸. قیصر، عمران؛ اسکندری سبزی، سیما؛ سلمان پور، علی و سید یوسف حاج اصغری. (۱۴۰۳)، تحلیل پویا از تأثیرات اقتصادی تحولات ساختاری جمعیت در دهه های آتی کشور ایران (با تأکید بر نقش زنان)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۲، شماره ۱: ۳۷-۱.
۷۹. کاردوانی، راحله. (۱۳۹۸)، تجارب مادران شاغل از سیاست های مراقبت از کودک در ایران: مطالعه پدیدارشناختی. فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۷(۱): ۱۴۵-۱۲۱.
- کاظمی، شهرزاد؛ مزیکی، علی و سید فرخ مصطفوی. (۱۳۹۵)، مشارکت اقتصادی زنان و باروری در ایران، مطالعات جمعیتی، دوره ۲، شماره ۲، پیاپی ۴: ۶۲-۳۹.
۸۰. کاظمی، شهرزاد؛ مزیکی، علی و سید فرخ مصطفوی. (۱۳۹۵)، مشارکت اقتصادی زنان و باروری در ایران، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، شماره ۲، شماره پیاپی ۴: ۶۲-۳۹.
۸۱. کاوه فیروز، زینب؛ زارع، بیژن و حسین شمس الدینی. (۱۳۹۵)، تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش به فرزندآوری (مطالعه موردی: زنان در آستانه ازدواج شهر تهران)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۴، شماره ۲: ۲۳۴-۲۱۷.
۸۲. کاوه فیروز، زینب؛ کاظمی پور، شهلا و مرتضی رنجبر. (۱۳۹۳)، تعیین کننده‌های اجتماعی- جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۳، شماره پیاپی ۳: ۴۶۸-۴۴۹.
۸۳. کچویان، حسن؛ و کریمی، جلیل. (۱۳۸۵)، پوزیتیویسم و جامعه‌شناسی در ایران، تهران: نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵.
۸۴. کرمی، علی؛ آبرومند، جمال. (۱۴۰۲)، اولویت دهی مشوق های قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت برای برنامه هفتم توسعه در قالب اسناد بالادستی با رویکرد آینده نگاری راهبردی، آینده پژوهی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۴، پیاپی ۱۹: ۱۶۸-۱۴۱.
۸۵. کلانتری بنادکی، سیده زهرا؛ آذر، عادل و آمنه خدیور. (۱۳۹۵)، جمعیت و اشتغال در ایران: دیدگاه سیستمی، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۲، شماره ۲، شماره پیاپی ۴: ۳۷-۷.
۸۶. کلانتری بنادکی، سیده زهرا؛ آذر، عادل و محمدجلال عباسی شوازی. (۱۳۹۶)، بررسی تحولات جمعیتی ایران با استفاده از رویکرد پویایی سیستم، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال دوازدهم، شماره ۲۴: ۴۱-۷.
۸۷. محزون، علی اکبر؛ محمودیان، حسین و فاطمه ترابی. (۱۳۹۸)، رابطه باروری و تحرک اجتماعی در ایران با استفاده از داده های سرشماری و طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال چهاردهم، شماره ۲۷: ۸۴-۵۹.
۸۸. محمودی، محمدجواد. (۱۳۸۹)، تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران، فصلنامه برداشت دوم، سال هفتم، شماره پیاپی (۱۱) و (۱۲).
۸۹. محمودی، محمدجواد؛ احراری، مهدی و علی نیکونسبتی. (۱۳۹۴)، اقتصاد و باروری (نظریه ها و نقدها)، مطالعات راهبردی زنان، سال هجدهم، شماره ۶۹.
۹۰. محمودیان، حسین؛ عباسی شوازی، محمدجلال و حمیدرضا حاجی هاشمی. (۱۴۰۱)، آگاهی، عقلانیت و ساختار نگرش در رژیم‌های باروری: رویکردی شناختی به فرزندآوری، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال هفدهم، شماره ۳۴: ۷۲-۳۹.
۹۱. مرتضوی، فروغ‌السادات؛ دامغانیان، مریم؛ متقی، زهرا؛ شریعتی، محمد. (۱۳۹۰)، تجربیات زنان نسبت به حاملگی ناخواسته: یک مطالعه کیفی، بهبود: دوماهنامه دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال پانزدهم، شماره ۶.
۹۲. مروت، برزو؛ دهقان، حسین و حسنعلی امید. (۱۳۹۹)، عوامل مؤثر بر تمایل به ادامه زندگی مجردی در بین جوانان شهر قم، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۶، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱: ۸۹-۶۷.

۹۳. معینی، سیدرضا؛ نوراللهی، طه و محمدرضا رسولی. (۱۳۹۱)، «ضرورت بازنگری در سیاست‌های جمعیتی کشور»، ماهنامه کتاب ماه علوم اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۵۸: ۴-۱۰.
۹۴. مقدسی، محمدباقر؛ غلامی، یاسر و بابک سلحشور. (۱۴۰۰)، رویکرد قضایی به سقط درمانی: نگاهی به ضوابط سقط درمانی در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مجله پزشکی قانونی ایران، دوره ۲۷، شماره ۴: ۲۱۵-۲۰۷.
۹۵. مقدسی، محمدباقر، روستایی، مهرانگیز. (۱۴۰۰)، افزایش جمعیت از رهگذر مداخلات کیفری؛ نگاهی به فرآیند تصویب و چالش‌های اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۸، شماره ۲۲، ۳۱۲-۲۸۵.
۹۶. ملک‌زاده، الهام، علیزاده‌بیرجندی، زهرا. (۱۳۹۰)، عوامل شکل‌گیری سیاست‌ها و تحولات جمعیتی در دوره رضاشاه طی سال‌های (۱۳۲۰-۱۳۰۴)، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۶/۷۵.
۹۷. مهربانی، وحید. (۱۳۹۴)، اشتغال زنان و روند باروری و رشد جمعیت در ایران، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۲۰: ۹۴-۷۲.
۹۸. میرحسینی، زهرا؛ مجتهدی، نرگس. (۱۴۰۲)، شناسایی و فهم مطالبات زنان در حوزه سیاست‌گذاری‌های جمعیتی، دوفصلنامه علمی مطالعات توسعه اجتماعی-اقتصادی، دوره ۱، شماره ۲.
۹۹. میرزایی، محمد؛ دارابی، سعداله و میترا باباپور. (۱۳۹۶)، سالخوردگی جمعیت در ایران و هزینه‌های روبه افزایش بهداشت و درمان، سالمند: مجله سالمندی ایران، شماره ۲: ۱۶۹-۱۵۶.
۱۰۰. میرهاشمی، زهرا سادات. (۱۴۰۲)، پیامدشناسی اجرت‌المثل کار خانگی زن و نقش آن در سیاست‌گذاری و توسعه تحکیم خانواده و افزایش جمعیت، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، مقاله آماده انتشار.
۱۰۱. نجاتیان، محمدحسین. (۱۴۰۰)، باروری در ایران: مدمه ای بر یک رویکرد برنامه ای، پژوهش‌های برنامه و توسعه، سال دوم، شماره ۱، پیاپی ۵.
۱۰۲. نجاتیان، محمدحسین؛ ابراهیم پور، محسن، شریفی، منصور؛ زنجانی، حبیب‌الله و علی بقایی. (۱۳۹۸)، تبیین همزمانی تحولات فرهنگی و باروری در ایران، جامعه پژوهی فرهنگی، سال دهم، شماره ۱، پیاپی ۳۱: ۱۴۵-۱۱۷.
۱۰۳. نرسسیانس، امیلیا؛ فیاض، ابراهیم و لیلا اردبیلی. (۱۳۹۷)، بررسی مفهوم‌سازی فرهنگی ازدواج و فرزندآوری در میان زنان شهر تهران: با رویکرد جامعه شناسی زبانی-شناختی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، شماره ۳: ۳۷۷-۳۵۹.
۱۰۴. نصراللهی وسطی، لیلا؛ آقایاری هیر، توکل. (۱۳۹۶)، تحلیل دینامیکی جمعیت و پیامدهای اقتصادی آن با استفاده از رویکرد سیستمی، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۳: ۱۹۴-۱۶۷.
۱۰۵. هودفر، هما. (۱۳۷۸)، اهداف و برنامه‌ها: نقش زنان در سیاست‌های جمعیتی، ترجمه: سیدرضا شاکری، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶.
106. Demeny, P. (2011). Population policy and the demographic transition: performance, prospects, and options. *Population and Development Review*, 37, 249-274.
107. Easterlin, R. A. (1974). The Effect of Modernization on Family Reproductive Behaviour. In *The Population Debate: Dimensions and Perspective. Papers of the World Population Conference*. Vol: 2.
108. Goode, W. J. (1963). *World revolution and family patterns*.
109. Inkeles, A. (1998). *One World Emerging? Convergence and Divergence in Industrial Societies*. Westview Press.
110. May, J. F. (2012). *World Population Policies: Their Origin, Evolution, and Impact*. Springer.